



## Multilateral Arbitration with a Single Source in Iran's Substantive Law

Parviz Dehghani<sup>1</sup>

1. Department of Law, Faculty of Human Science University of Maragheh, Maragheh, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Multi-party arbitration as one of the platforms and mechanisms for resolving disputes in domestic and international commercial relations, which has been recognized by domestic and international regulations, is of course due to the existence of legal relations between persons in a multilateral manner, which expands and ;he complexity of relationships between individuals in the field of domestic and international trade is considered to be its generator. The acceptance and implementation of multilateral arbitration leads to fundamental concerns in opposition to the requirements and legal principles of arbitration, including the principle of consent, the freedom of individuals in determining the arbitration panel and the necessity of equal treatment with those around the arbitration, which, of course, by separating them in terms of whether or not they are imperative. The field of legitimacy of the implementation of multilateral arbitration is facilitated and concerns subside. The provision of legal guarantees to comply with the arbitration requirements, especially in the implementation stage of multilateral arbitration awards, eases the mind and strengthens the public interest in multilateral arbitration with a single origin.

**Method:** The current research is of a theoretical type with a descriptive analytical method and the method of collecting information is in the form of a library by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

**Results:** The findings indicate the realism of arbitration rules and internal regulations and international documents in providing models and formulas that involve repelling and resolving challenges and concerns of non-compliance with arbitration requirements, especially in multilateral arbitrations with a single origin.

**Conclusion:** Arbitration requirements in the general sense and multilateral arbitration in a special sense in the phenomenon of satisfaction with the principle of arbitration are considered binding legal rules and the requirements of arbitration regarding equal treatment in the general sense and equal treatment in determining the arbitration panel in the specific sense of the mandatory legal rules It is considered as a supplementary factor and based on this, the hypothesis of the absolute authority of the requirements and principles of arbitration is rejected.

**Keywords:** Multilateral Arbitration; Arbitration Requirements; the Principle of Compromise; the Principle of Freedom; the Principle of Equal Treatment; Arbitration Panel

**Corresponding Author:** Parviz Dehghani; **Email:** p.dehghani1351@gmail.com

**Received:** February 23, 2023; **Accepted:** May 23, 2023; **Published Online:** October 13, 2023

### Please cite this article as:

Dehghani P. Multilateral Arbitration with a Single Source in Iran's Substantive Law. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e28.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

### داوری چندجانبه با منشأ واحد در حقوق موضوعه ایران

پرویز دهقانی<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** داوری چندجانبه به عنوان یکی از بسترها و مکانیزم‌های حل اختلاف در روابط تجاری داخلی و بین‌المللی که مورد شناسایی مقررات داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است، بالطبع ناشی از وجود روابط حقوقی اشخاص به صورت چندطرفه می‌باشد که گسترش و پیچیدگی روابط اشخاص در عرصه تجارت داخلی و بین‌المللی زاینده آن محسوب می‌شود. پذیرش و اجرای داوری چندجانبه دغدغه‌های اساسی در تقابل با الزامات و اصول حقوقی داوری، از جمله اصل رضا، آزادی اشخاص در تعیین هیأت داوری و لزوم رفتار برابر با اطراف داوری را به دنبال دارد که البته با تفکیک آن‌ها از حیث امری بودن یا نبودن زمینه مشروعیت اجرای داوری چندجانبه تسهیل و دغدغه‌ها فروکش می‌کند. پیش‌بینی تضمین‌های قانونی برای رعایت الزامات داوری به ویژه در مرحله اجرای آرای داوری چندجانبه خاطر را آسوده و اقبال عمومی به داوری چند جانبه با منشأ واحد را تقویت می‌نماید.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع نظری، به روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از واقع‌بینی قواعد داوری و مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی در ارائه الگوها و فرمول‌های متضمن دفع و رفع چالش و نگرانی‌های عدم رعایت الزامات داوری به خصوص در داوری‌های چندجانبه با منشأ واحد است.

**نتیجه‌گیری:** الزامات داوری به معنی عام و داوری چندجانبه به معنی خاص، در پدیده رضا به اصل داوری، قواعد حقوقی آمره تلقی می‌گردد و الزامات داوری ناظر بر رفتار برابر به معنی عام و رفتار برابر در تعیین هیأت داوری به معنی خاص قواعد حقوقی الزام‌آور تکمیلی محسوب می‌گردد و بر این اساس فرضیه آمره بودن مطلق الزامات و اصول داوری رد می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** داوری؛ داوری چندجانبه؛ الزامات داوری؛ اصل آزادی؛ اصل رفتار برابر؛ هیأت داوری

نویسنده مسئول: پرویز دهقانی؛ پست الکترونیک: [p.dehghani1351@gmail.com](mailto:p.dehghani1351@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Dehghani P. Multilateral Arbitration with a Single Source in Iran's Substantive Law. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e28.

## مقدمه

به باور فعالان عرصه بازرگانی و تجارت و همچنین اندیشمندان و نویسندگان حوزه حقوق مدنی و حقوق تجارت، به جهت مزایای غیر قابل انکاری که برای امر داوری در مقوله حل اختلافات ناظر بر روابط حقوقی موصوف اعم از داخلی و خارجی وجود دارد، اهمیت و ضرورت توجه ویژه به مباحث و مسائل پیرامون آن روز به روز بیشتر شده و نویسندگان حوزه حقوقی داوری با التفات به چالش‌ها و مشکلات پیش روی آن درصدد ارائه نظریات راه حل‌های متناسب با ویژگی‌های منحصر به فرد آن بوده و می‌باشند.

از جمله موضوعات و چالش‌های ناظر بر داوری‌های متضمن حل اختلافات در روابط اشخاص اعم از حقیقی حقوقی که از منظر تقنین نیز مورد التفات قانونگذاران قرار گرفته و می‌گیرد موضوع داوری‌های چندجانبه است. تصور عمومی بر این است که در داوری فقط دو طرف در میان است. این وضع ممکن است عادی و متعارف به نظر برسد، ولی همیشه وضع بر این منوال نیست. داوری‌ها بیش از پیش ناظر به روابط چندجانبه است. از آنجا که وجوه رایج معاملات در روابط قراردادی مردم از تجارت داخلی و بین‌المللی ساختارهای قراردادی چندطرفه می‌باشد، به تبع آن با پیش‌بینی مکانیزم داوری برای حل اختلافات ناظر بر آن روابط، داوری‌های چندجانبه نیز اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

به عنوان نمونه متعارف، می‌توان قرارداد سه‌طرفه میان عرضه‌کننده کالا، خریدار کالا و بانک ارائه‌دهنده تسهیلات تجاری برای مشتری خود، اشاره کرد. در صورت بروز مسأله‌ای راجع به مسئولیت مشتری راجع به تعهدات ناظر بر پرداخت ثمن معامله مشارالیه می‌تواند با استناد به ایراد کالا از ایفای تعهدات مزبور سرباز زند؛ مسأله این است که بانک چه زمانی درگیر داوری شود تا از موضع خود در صورت تأیید مسئولیت توسط مرجع داوری دفاع کند.

در صورت وجود قرارداد داوری این مسأله باید در موافقت‌نامه داوری مشخص شده و تحت نظم درآید، خواه با اجازه‌دادن به بانک جهت ملاحظه به عنوان یک طرف در هر زمان با امکان

ارائه اطلاعات کامل در مورد جریان داوری یا با پیش‌بینی داوری بعدی برای احراز جداگانه مسئولیت بانک به جز اینکه رأی داوری به طور خودکار بانک یا ضامن را ملزم سازد.

با واقع‌بینی قانونگذار ایران در حقوق داوری‌های چندجانبه در روابط حقوقی قراردادی و غیر قراردادی اشخاص در عرصه داخلی و بین‌المللی به رغم اینکه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در سال ۱۳۷۶ با تأسی به قانون نمونه آنستیرال مورد تصویب قرار گرفت، اما در قانون نمونه، بحث داوری چندجانبه پیش‌بینی نشده بود. در بند ۶ از ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران این مهم، مورد تصریح مقنن قرار گرفت. بند ۶ ماده ۱۱ مقرر داشته است: «در مواردی که داوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرف‌ها به نحو دیگری توافق نموده باشند، هیأت داوری به ترتیب زیر تعیین خواهد شد: الف - خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد خواهان‌ها مشترکاً یک داور تعیین خواهد کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین روش تعیین می‌شود. چنانچه خواهان‌ها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند، داور هر یک از طرفین خواهان‌ها یا خواندگان به وسیله مرجع موضوع ماده ۶ تعیین خواهد شد. تعیین سر داور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند، سر داور توسط مرجع موضوع ماده ۶ تعیین می‌شود؛ ب - تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند، سرداور توسط مرجع موضوع ماده ۶ تعیین می‌شود؛ ج - هرگاه در مورد خواهان یا خوانده‌بودن یک یا چند طرف داوری اختلاف باشد، هیأت داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده ۶ خواهد بود؛ د - سایر موارد در داوری‌های چندجانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوری‌های دوجانبه مقرر شده است.»

نباید فراموش کرد که می‌توان میان دو وضعیت که ممکن است به داوری چندجانبه منجر شود تمایز قائل شد. در وضعیت نخست، قرارداد واحدی که چند طرف دارد و داوری ناظر بر آن نیز چندطرفه شکل می‌گیرد؛ وضعیت دیگر اینکه شبکه‌ای از قراردادهای به هم مرتبط یا به هم وابسته میان طرف‌های متفاوت شکل می‌گیرد. در حالت نخست ما شاهد قرارداد واحد

هیأت داوری است که باید مکانیزم آن روشن شود. باید دید چه مکانیزمی ما را در تحقق این مهم به سر منزل مقصود می‌رساند. در اعمال اصل حاکمیت اراده، در تعیین ترکیب داوری در داوری چندجانبه، چه خطراتی وجود دارد. گفته می‌شود که محول‌ساختن فرایند تعیین داوران به آزادی اراده طرفین این خطر را به دنبال دارد که طرف قوی‌تر می‌تواند روش‌ها و آیین‌های نصب داور را که به زیان طرف ضعیف‌تر است، تحمیل کند. مع‌الوصف با پذیرش خطرات موصوف، حدود آزادی طرفین در این انتخاب چیست؟ با عنایت به مراتب، دغدغه این نگرش پرواضح است که در راستای جستجوی پاسخ به این سؤالات بوده و هدف آن، ارائه طرق و راهکارهای رفع دغدغه‌های رعایت الزامات داوری در داوری‌های چندطرفه است، طوری که از این طریق به لحاظ مزایای بسیار مهمی که در داوری چندجانبه وجود دارد به عنوان یک پدیده غیر قابل اجتناب، به این دغدغه‌ها پاسخ داده شود.

در بادی امر این‌گونه به نظر می‌رسد که با ارائه فرمول‌ها، راهکارهایی که در مقررات داخلی کشورها و زمینه اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی به ویژه در مرحله اجرای آرای داوری ارائه شده است. دغدغه‌ها باقی است. بر این اساس نخست اینکه رضایت به داوری چندطرفه را می‌توان مفروض دانست؛ دوم اینکه آمره‌دانستن قواعد و الزامات داوری به عنوان امری پیش‌فرض مستلزم عدم امکان عدول از اصل برابری تعیین داور می‌باشد که بر این مبنا، پژوهش حاضر در دو قسمت مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. در قسمت نخست ضمن تبیین مفاهیم، الزامات داوری در داوری چندجانبه مورد توجه قرار گرفته و در قسمت دوم از دغدغه‌های داوری چندجانبه در رفتار برابر با طرف‌های داوری صحبت شده است.

### روش

پژوهش حاضر از نوع نظری به روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات است.

یعنی منشأ واحد هستیم، ولی در حالت دوم، چند قرارداد وجود دارد و در حقیقت داوری چندجانبه با منشأ متعدد شکل می‌گیرد که هر کدام از این وضعیت‌ها بحث مستقلی را می‌طلبد که قلمرو مقاله حاضر وضعیت نخست را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین از چالش‌هایی که مربوط به داوری چندجانبه می‌شود، آن دسته از دغدغه‌هایی است که مربوط به الزامات داوری از نوع رفتار برابر طرفین یا اطراف داوری در تعیین ترکیب هیأت داوری است، البته نباید فراموش کرد که دغدغه‌های دیگر مثل رفتار برابر در مدیریت دادرسی نیز از بحث ما خارج بوده و نیازمند پژوهش مستقلی می‌باشد.

برای دانستن فواید و مزایای داوری چندجانبه همین کافی است که گفته شود، کاهش هزینه‌ها اعم از هزینه خود داوری و هزینه‌های فرعی ناظر بر آن، کاهش زمان رسیدگی به اختلاف، نقش چشم‌گیری در رغبت فعالان اقتصادی برای رجوع به داوری چندجانبه دارد. همچنین نباید فراموش شود که علاوه بر فواید مالی مزایای حقوقی و قضایی آن، ضرورت مراجعه به داوری چندجانبه را مسخ می‌نماید، از جمله می‌توان به اجتناب از تصمیمات متعارض در رسیدگی‌های جداگانه و حل اختلاف با شیوه و آیین واحد اشاره کرد و البته این که همه موضوعات و منافع همه طرف‌ها مورد توجه و التفات قرار می‌گیرد (۱).

بی‌تردید هر موضوعی چالش‌ها و مشکلات و مسائل پیرامون خود را به همراه دارد. در موضوع داوری‌های چندطرفه مشکلات پیش رو را به طور عمده در لزوم اثبات رضایت طرف‌ها به این نوع داوری و همچنین لزوم رفتار برابر با طرف‌ها شاهد هستیم (۲).

در راستای توجه به حل مشکلات مزبور سؤالات قابل طرح این است که با عنایت به الزامات غیر قابل انکار داوری که از جمله آن رعایت اصل احراز رضایت طرف‌ها به این نوع داوری است، چگونه اثبات می‌گردد. همچنین برای رعایت اصل برابری طرفین داوری در تمام مراحل و مقاطع آن در داوری چندجانبه، چنین الزامی چگونه تضمین می‌شود؟ از جمله موارد لزوم رفتار برابر، ناظر به فرایند تعیین و نصب ترکیب

## یافته‌ها

وجود دارد که داوری میان دو طرف بر طرف‌های دیگر نیز اثر می‌گذارد. از آنجا که اختلافات متفاوت، اغلب از یک واقعه ناشی می‌شود و مبتنی بر واقعیات یکسانی هستند، شاید بهتر باشد که همه آن‌ها در مجموعه‌ای واحد از رسیدگی داوری، حل و فصل شود.

در داوری‌های چندجانبه، دو نوع وضعیت از هم متمایز می‌گردند: نخست، وضعیتی که قرارداد واحد است، ولی چند طرف دارد که موضوع بحث این مقاله است؛ دوم، وضعیتی که چند قرارداد به هم مرتبط یا به هم وابسته میان طرف‌های متفاوت شکل می‌گیرد که خود بحث مستقلی را می‌طلبد، البته نباید از نظر دور داشت که ممکن است وضعیت چند قراردادی، بین دو طرف ثابت هم، قابل طرح باشد که آن هم از موضوع بحث ما خارج است (۳). مفاهیم مذکور با ذکر مصادیقی از موضوع بر روشن‌شدن آن کمک می‌کند. قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک (جوینت ونچر)، از جمله مثال‌های بارز است که بر اساس آن، دو یا چند طرف، شرکتی ایجاد می‌کنند که خود طرفی جدید و شخصیت مستقل و جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهد، چنانچه اختلافی بروز می‌کند، اغلب ضروری می‌نماید شرکت، طرف داوری قرار گیرد و به این طریق به حکم داوری ملتزم خواهد بود. موارد اختلافی ممکن است به ویژه به اقدامات یا حقوق شرکت یا تغییر اسناد مؤسس مربوط گردد. در این حالت ممکن است شرکت دیدگاه متفاوتی از هر دو طرف ایجادکننده شرکت داشته باشد، از جمله موارد مبتلا به، دیگری که منجر به داوری چندجانبه می‌شود، در قراردادهای ساخت و ساز است، بدین‌نحو که کارفرما کلیت انجام یک پروژه ساختمانی را به یک پیمانکار واگذار می‌کند و پیمانکار مزبور انجام بخشی از پروژه مزبور را به یک یا چند پیمانکار فرعی واگذار می‌کند و در قرارداد فی‌مابین پیمانکار و کارفرما برای حل اختلافات قراردادی شرط داوری پیش‌بینی می‌شود. در صورت حدوث اختلاف، پیمانکار اصلی مایل است پیمانکار فرعی را در داوری دخالت دهد، زیرا جهاتی از قرارداد فرعی مثل کیفیت کار، قیمت‌گذاری یا تعطیلی در داوری میان کارفرما و پیمانکار محل بحث است. این کار فقط در صورتی امکان‌پذیر است که در همان زمان

هم‌راستایی اندیشه حاکم بر نظام تقنینی حقوق موضوعه ایران با رویکرد غالب نظام حقوقی حاکم بر عرف داوری تجاری بین‌المللی راجع به تشریفات ناظر بر اعتباربخشی قراردادهای داوری در داوری‌های موردی و سازمانی نویدبخش حل آسان اختلافات تجار ایرانی با لحاظ دستاوردهای نوین در عرصه داوری تجاری بین‌المللی می‌باشد.

## بحث

## ۱. مفاهیم و الزامات داوری در ملاحظات داوری چندجانبه

۱-۱. مفاهیم: برای تبیین موضوع و آشنایی با مؤلفه‌های اساسی بحث به جاست که در ابتدا مفاهیمی چون داوری دوجانبه و چندجانبه روشن شود. تمیز داوری‌های چندجانبه از یکدیگر و شناخت مفاهیم آن، کمک شایانی به تحلیل‌ها و استدلال‌ها و استنتاج‌ها می‌نماید. اینکه منظور از داوری‌های چندجانبه با منشأ واحد چه تمایزی با داوری چندجانبه چند قراردادی دارد. مباحثی است که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود.

داوری زمانی دوطرفه یا دوجانبه است که رابطه حقوقی مبنایی آن، که در حقیقت داوری به خاطر اختلافات ناظر بر آن شکل گرفته است، دوطرفه باشد. رابطه حقوقی مبنایی می‌تواند یک رابطه قراردادی یا غیر قراردادی باشد که البته در بحث ما بیشتر ناظر به روابط قراردادی در حوزه حقوق تجارت است. در جایی که بیش از دو طرف برای قرارداد وجود دارد، موافقت‌نامه داوری باید اختلاف مربوط به بیش از دو طرف را پیش‌بینی کند. این وضع در مواردی بروز می‌کند که موضع و موقعیت طرف‌ها در دو قطب متضاد قرار دارد. به عنوان مثال، دو طرف از یک چشم‌انداز قرارداد می‌بندند، مانند اینکه هر دو سرمایه‌گذار هستند یا در واقع وضعیتی سه یا چندجانبه دارند. ساختار قراردادهای چندطرفه از وجوه رایج معاملات تجاری بین‌المللی می‌باشد. در این صورت اگر اختلافی واقع گردد، با فرض پیش‌بینی شرط یا توافق‌نامه داوری، اکثر اختلافات به بیش از دو طرف مربوط می‌شود. در این حال وضعیت‌هایی

ترازی عمل کرده و تابع اراده مشترک هستند و در صورت اقدام به توافق یا عدم اعتبار توافق، فرمول‌های ارائه‌شده از سوی مقنن یا اسناد قانونی داوری، درصدد رعایت رفتار برابر بوده و می‌باشد. مواد ۴۷۵ و ۴۵۶ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی متضمن اصل مذکور می‌باشد. همچنین در بند نخست از ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در راستای مقررات قانون نمونه آنسیترال بر همین اصل تأکید شده و اصل حاکمیت اراده و ترازی را معیار تعیین داور اعلام کرده است. محول‌نمودن فرایند تعیین داوران به آزادی اراده طرفین این خطر را به همراه دارد که طرف قوی‌تر می‌تواند روش‌ها و آیین‌های نصب داور را که به زیان طرف ضعیف‌تر است، تحمیل نماید. این روش‌ها محدود به موارد آشکاری نیست که در آن‌ها هیأت داوری قرار است فقط توسط یک طرف نصب شود و ممکن است مثلاً در مواردی هم صورت پذیرد که هر طرف یک داور نصب می‌کند و در صورتی که آنان نتوانند در مورد رییس توافق کنند، یکی از طرف‌ها انتخاب و گزینه نهایی را خواهد داشت. در دعوی چندطرفه که داوری چندجانبه را لازم می‌نماید در تعیین ترکیب هیأت داوری سه نفره، یک طرف می‌تواند یک داور تعیین کند و چند طرف که در طرف مقابل قرار دارند، باید در مورد یک داور توافق نمایند، این حالت باعث می‌شود که امتیازی برای طرف اول تلقی شود و توازن در ترکیب هیأت داوری را به هم زده و اصل رفتار برابر در رسیدگی داوری را زیر سؤال ببرد.

#### ۲-۱-۲-۱. اصل برابری طرفین داوری (داوری عادلانه):

علاوه بر اینکه در شیوه و آیین مدیریت دادرسی مرجع داوری اصل بر رفتار برابر است که این مهم در ماده ۱۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به تأسی از قانون نمونه آنسیترال مورد تأکید قرار گرفته است، در تعیین ترکیب هیأت داوری نیز اصل برابری طرفین داوری، موضوعی غیر قابل انکار می‌باشد. در وضعیت داوری دوطرفه، رفتار برابر در تعیین داور به این نحو تأمین می‌شود که به هر طرف حق داده می‌شود، داور اختصاصی خود را تعیین کنند. اگر دو طرف بتوانند در مورد

انعقاد قرارداد اصلی مورد توافق قرار گیرد یا مشخصات در موافقت‌نامه داوری مقرر گردد. در این صورت حق پیمانکار اصلی به ملزم داشتن پیمانکار فرعی برای پیوستن به داوری با کارفرما باید به روشنی و وضوح تصریح گردد.

یکی دیگر از قراردادهایی که می‌تواند منجر به تحقق داوری چندطرفه، قرارداد کنسرسیوم است. در قرارداد کنسرسیوم چند طرف با هدفی مشترک گرد هم آمده و فعالیت اقتصادی و تجاری می‌نمایند. چنین قراردادی، شرط داوری مندرج در آن به طور مساوی بر همه اعضای کنسرسیوم الزامی است. بی‌تردید در این قرارداد لازم است اطمینان حاصل شود که حتی اگر عضو مهم کنسرسیوم به تنهایی، طرف موافقت‌نامه داوری یا طرف دیگر باشد، همه اعضای کنسرسیوم به موافقت‌نامه داوری و حکم داور ملتزم هستند (۵).

#### ۲-۱. الزامات داوری و اجرای رأی داور: اصول حقوقی

حاکم بر داوری که ناظر بر رسیدگی‌های داوری و اجرای رأی داوری است و در ملاحظات داوری چندجانبه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در راستای استنتاج دغدغه‌های پژوهش حاضر نقش مهم و اساسی دارد، در دو حوزه رسیدگی و اجرای رأی داور قابل ملاحظه و بررسی است.

#### ۲-۱-۱. الزامات داوری و داوری چندجانبه: در مرحله

رسیدگی به اختلاف توسط مرجع داوری ضرورت رعایت الزامات داوری از دغدغه‌های اصلی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است با تبیین اصول حقوقی حاکم بر جریان داوری و ویژگی‌های آن می‌توان بر رفع معضلات و مشکلات داوری‌های چندجانبه فائق آمد.

#### ۲-۱-۱. اصل آزادی اشخاص در تعیین فرایند نصب

داور: همانطور که می‌دانیم از جمله مشکلات اساسی در داوری‌های چندجانبه، تضمین رفتار برابر در رسیدگی‌های داوری به ویژه در تعیین ترکیب هیأت داوری است. طبق مقررات داوری اعم از مقررات ملی کشورها اسناد بین‌المللی، طرف‌های اختلاف در داوری، در مورد روش تعیین داور، بر مبنای اصل آزادی اشخاص در تعیین داور و ترکیب آنکه از آثار اصل حاکمیت اراده در نهاد داوری است، بر اساس توافق و

بیشتری برخوردار است. بر این اساس چنانچه فقدان رضا به داوری چندجانبه و فقدان رفتار برابر با اطراف شرط داوری احراز گردد، دغدغه عدم اجرای رأی داوری در داوری چندطرفه تقویت می‌گردد (۸).

۲-۱-۲. در اجرای رأی داوری داخلی: پیش از بیان الزامات اجرای رأی در داوری داخلی، ضروری است که بدانیم وجه تمییز رأی داوری داخلی و خارجی چیست؟ شاید گمان رود که اگر رأی در ایران صادر شده باشد، داخلی و چنانچه در خارج از قلمرو ایران صادر شده باشد، رأی خارجی خواهد بود (۹). بایسته است بدانیم که بند ۳ ماده نخستین کنوانسیون نیویورک، آرای داوری زیر را تحت پوشش قرار می‌دهد:

- آرای صادره در یک کشور متعهد دیگر.

- آرای صادره در یک کشور دیگر.

- آرای داوری بین‌المللی صادره در کشور محل شناسایی (بند ۱ ماده ۱).

بر این اساس فقط آرای از تحت قلمرو کنوانسیون نیویورک، خارج است که داخلی باشد.

داخلی، در اینجا به معنی صدور در کشور مقر داوری نیست، بلکه منظور این است که داوری واجد وصف بین‌المللی نباشد (۸).

مع الوصف رأیی که توسط مرجع داوری در ایران صادر شده و اطراف داوری، همگی ایرانی‌اند، مشمول قواعد داوری موضوع قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و به لحاظ اجرایی تابع قانون اجرای احکام مدنی ایران می‌باشد و اگر اطراف آن ایرانی - خارجی باشند، هرچند که در ایران، رأی صادر شده باشد، مشمول مقررات کنوانسیون نیویورک خواهد بود. آنچه در اجرای رأی داوری داخلی در ارتباط با دغدغه‌های داوری چندجانبه، یعنی فقدان رضا به داوری چندجانبه قابل بحث است که البته از بندهای ۳، ۵ و ۶ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی استنباط می‌گردد. به عبارتی، از الزامات اجرای رأی داوری داخلی احراز رضا به داوری چندجانبه است، البته معلوم نیست که آیا دادگاه مرجع صدور دستور اجرا می‌تواند به رغم

رییس هیأت داوری هم توافق نمایند ترکیب هیأت داوری شکل می‌گیرد و دغدغه چندانی وجود ندارد.

در داوری چندطرفه برای تحقق اصل برابری طرف‌های داوری، مشکلات زیادی وجود دارد. دادن حق به هر طرف که داور خود را تعیین کند عملی نیست و می‌تواند به هیأت‌هایی با اعضای زیاد منجر شود، طوری که کل هدف داوری را عقیم نماید، حتی از این مهم‌تر ممکن است برای طرفی که طرف‌های کمتری دارد، غیر منصفانه باشد و باعث شود نفوذ کمتری در ترکیب هیأت داوری داشته باشد (۶). برای حل مشکلات مطروحه، مهم است بدانیم که آیا اصل برابری اطراف داوری قاعده حقوقی امری است یا اینکه قابل عدول می‌باشد (۷). برای شناخت موضوع در سطور آتی قسمت اول از بخش دوم این پژوهش به این امر خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱. الزامات اجرای رأی داور و داوری چندطرفه:

شاید گفته شود که طرح بحث اجرای رأی داور و الزامات آن در بحث داوری چندجانبه چه ضرورت خاصی دارد که در این مجال طرح گردیده است، یعنی داوری دوجانبه که حالت معمولی و متعارف امور است از حیث اجرا و الزامات اجرایی چه تمایزی با داوری چندجانبه دارد که ضرورت طرح چنین بحثی را لازم نموده است. پیش از هر سخنی راجع به الزامات اجرای رأی داوری چندجانبه باید دانست که به ویژه در اجرای رأی داوری خارجی که صراحت قانونی وجود دارد، سه شرط بنیادین برای اجرای رأی داوری خارجی باید احراز گردد. نخست احراز توافق برای داوری؛ دوم، احراز داوری عادلانه که متضمن رفتار برابر با اطراف داوری است؛ سوم، عدم تجاوز از حدود اختیارات داوری است. از مصادیق مهم داوری عادلانه در قالب رفتار برابر تعیین ترکیب هیأت داوری است که این موضوع در داوری چندطرفه همانطور که سابقاً نیز اشاره کردیم، مشکلات و مسائلی را به دنبال دارد که با این اوصاف اهمیت طرح بحث روشن می‌گردد، از طرف دیگر پیش‌شرط اجراء، ثبت موافقت‌نامه داوری در دادگاه مجری حکم برای احراز و اثبات طرف‌های شرط داوری می‌باشد (ماده ۴ بند ۱ کنوانسیون نیویورک) که در بحث داوری‌های چندجانبه از اهمیت

اینکه نسبت به رأی در مهلت مقرر اعتراض نشده باشد به جهت فقدان رضا و عدم اعتبار شرط داوری، از صدور دستور اجرا امتناع نماید یا خیر؟ لیکن به دلالت حکم ماده ۴۹۰ از قانون آیین دادرسی در امور مدنی صدور حکم به بطلان رأی داور منوط به درخواست هر یک از طرفین گردیده است، یعنی شخص ادعا کند که اساساً رضایتی در توافق داوری نداشته و مشمول شرط داوری نیست، لذا بایسته است که مقنن ایرانی وارد عمل شده و موارد درخواست ابطال رأی را از مواردی که رأی داور اساساً باطل و غیر قابل اجراست و تفکیک نماید.

۱-۲-۲. در اجرای رأی داوری بین‌المللی (خارجی):  
مستفاد از آنچه در بند پیشین گفته شد، با تمییز رأی داوری خارجی، سؤال این است که الزامات اجرای رأی مزبور به ویژه در داوری چندطرفه چیست؟

با لحاظ مقررات کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی به عنوان منبع قانونی اجرای آرای داوری خارجی و بر اساس پیش‌شرط اجرای حکم داوری مذکور در بند پیشین و همچنین شروط بنیادین برای اجرای رأی داور خارجی که در اینجا دوباره تکرار نمی‌کنیم، الزامات ۱- رضا بر داوری چندطرفه که در نوع خود به واسطه آنچه سابقاً نیز ذکر شد با مشکلاتی رو به روست؛ ۲- رفتار برابر با اطراف داوری چندجانبه که مهم‌ترین آن، در تعیین ترکیب هیأت داوری خود را نشان می‌دهد. بر اساس ماده نخستین کنوانسیون نیویورک به عنوان مبنای قانونی اجرای احکام داوری خارجی و برای شناسایی رأی، احراز شرایط بنیادین سه‌گانه مذکورالاشعار برای رعایت الزامات معنونه بدون ایراد طرف داوری و یا بدون حکم دعوی ابطال رأی داور، رأساً توسط دادگاه مجری حکم، نه‌تنها قابل پذیرش است، بلکه بایسته می‌نماید.

۲. رفتار برابر در داوری چندجانبه (ترکیب هیأت داوری):  
گفته شد که از مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌های داوری چندجانبه واهمه عدم رعایت الزام رفتار برابر با طرف‌های داوری است که آن هم به ویژه در تعیین ترکیب هیأت داوری نمایان می‌شود، لذا در این قسمت، اصلی‌ترین دغدغه و رویکرد قوانین و مقررات در این خصوص تبیین و مورد بررسی قرار

می‌گیرد. رفع دغدغه موصوف زمانی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا می‌کند که بر اساس مبنای قانونی اجرای رأی داوری بین‌المللی، یعنی کنوانسیون نیویورک (ماده ۵) عدم رعایت الزام رفتار برابر با طرف‌های داوری که در داوری چندجانبه بیشتر می‌تواند اتفاق بیافتد، از موجبات امتناع از اجرای رأی داوری محسوب می‌شود. نباید مورد نسیان قرار گیرد که رفتار برابر در مدیریت دادرسی نیز از الزامات داوری‌ها به خصوص در داوری چندجانبه محسوب می‌شود. به عنوان مثال وقتی طرف‌ها منافع اقتصادی متضادی دارند یا دعوی تقابل طرح شده است، چگونگی ترتیب ارائه اظهارهایها نحوه تخصیص زمان در جلسه استماع اظهارات و چگونگی توزیع هزینه‌های دادرسی در راستای رعایت الزام رفتار برابر به چه نحو خواهد بود که البته در پژوهش مستقلی باید مورد بررسی قرار گیرد، اما لزوم رعایت رفتار برابر در تعیین ترکیب هیأت داوری و دغدغه‌های مربوط به آن در خصوص شیوه‌های ترکیب هیأت داوری در داوری چندجانبه و نگرش و رویکرد مقررات داوری ذیلاً مورد التفات و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. شیوه مورد تراضی اطراف قرارداد داوری چندجانبه در تعیین ترکیب هیأت داوری: با نگاهی به رویکرد اکثریت قریب به اتفاق قوانین ملی و مقررات بین‌المللی در مورد شیوه تعیین داوران و به ویژه در داوری چندطرفه، اصل حاکمیت اراده و به تبع آن آزادی اطراف داوری پذیرفته شده است، البته بدیهی است که اگر چنانچه اتفاق نظر در داور واحد وجود داشته باشد - که در عمل نزدیک به محال بوده و بسیار نامحتمل است - مشکل خاصی وجود ندارد، لیکن اگر تعداد داوران بیش از یکی که معمولاً سه نفر است، باشد، مشکل نمایان می‌شود. بند نخست ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در راستای دیگر مقررات و قواعد داوری زمان اولویت‌دادن به شیوه مورد تراضی و اصل حاکمیت اراده در مورد روش تعیین داور حکم پیشنهادی قانونی ارائه می‌دهد. در همین راستا در بند ۶ همان ماده که به روش تعیین داور در داوری‌های چندطرفه پرداخته است، همان اسلوب بند نخست ماده ۱۱ قانون مذکور در نظر گرفته شده است که به



عبارتی از آنجا که در شیوه مورد تراضی اطراف داوری چندجانبه برای تعیین ترکیب هیأت داوری حقوق غالبی یا امتیازی برای طرفی در شرط داوری توافق شده باشد، معتبر است یا اینکه اصل آزادی موصوف، تحدید می‌گردد، اما همانطور که در بحث پیشین وعده دادیم.

با التفات به اهمیت اصل برابری اطراف قرارداد داوری، قوانین ملی برخی کشورها در مواردی که روش مورد توافق طرفین نفوذ ناعادلانه‌ای برای تعیین داوران به یک طرف بدهد، تعیین داوران ممکن است توسط دادگاه دولتی صورت پذیرد که قانون داوری کشور آلمان در بخش ۱۰۳۴ (۲) مقرر داشته است: «چنانچه موافقت‌نامه داوری، حقوقی غالب به یک طرف در خصوص ترکیب هیأت داوری بدهد که طرف دیگر را در وضعیت نامساعدی قرار می‌دهد، طرف دیگر می‌تواند از دادگاه بخواند، داور یا داوران را با نادیده‌گرفتن معرفی صورت گرفته یا روش مورد توافق برای معرفی داوران انجام دهد. این درخواست باید حداکثر ظرف دو هفته از باخبر شدن طرف مزبور از تشکیل هیأت داوری تقدیم شود.»

پس در صورتی که بنا بر توافق اطراف داوری چندطرفه، در تعیین هیأت سه نفره داوری، یک طرف به عنوان خواهان، یک داور تعیین کند و چند طرف مقابل به عنوان خواننده باید در مورد یک داور توافق نمایند، این موضوع به عنوان امتیاز و حق غالب برای خواهان در روش تعیین داوران که با تراضی اطراف داوری پیش‌بینی شده است، تلقی شده و جای خود را به تعیین از طریق محاکم دولتی خواهد داد.

نظر فوق و استنتاج مذکور زمانی قابل اعتناست که اصل رفتار برابری با اطراف داوری قاعده‌ای آمرانه تلقی و مربوط به نظم عمومی باشد که در این صورت تراضی خلاف آن معتبر نبوده و فقط می‌تواند بعد از بروز اختلاف اسقاط شود، اما اگر اصل مزبور را آمره تلقی نکنیم (۶).

یعنی اینکه مربوط به نظم عمومی نشده و پیش از بروز اختلاف می‌توان از آن عدول کرد و در این صورت تراضی اطراف داوری حتی اگر متضمن امتیاز یا حقوق غالبی برای طرفی از داوری چندجانبه باشد معتبر بوده و نیاز به دخالت دادگاه دولتی برای تعیین داور نیست. برخی از نویسندگان

جهت چندطرفه‌بودن داوری فرمول ارائه‌شده در مواردی که شیوه توافقی در تعیین هیأت داوری وجود نداشته باشد به تناسب چندطرف‌بودن داوری به نحو متفاوتی در نظر گرفته شده است که در قسمت دوم این پژوهش به آن می‌پردازیم. لازم به یادآوری است که بند ششم مذکور در قانون نمونه آنسترال پیش‌بینی نشده بود و در سال تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، یعنی سال ۱۳۷۶، این خود، ابتکاری بود که توسط مقنن ایرانی پیش‌بینی گردید که البته درخور تحسین است. البته در سال ۲۰۱۰ همگام با قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی فرمول مزبور با کمی تفاوت نسبت به بند ششم ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، اصلاحی پیش‌بینی گردید؛ به تصور برخی از نویسندگان (۱۰) ابداع مقنن ایرانی در بند ششم ماده ۱۱ مزبور در حقیقت حکم جدیدی به همراه نداشته و نهایتاً به روش قانون آیین دادرسی در امور مدنی ایران خواهان‌ها و خوانندگان متعدد را دسته‌بندی کرده و در حکم خواهان یا خواننده واحد قرار داده است. به زعم ایشان، هدف از طرح این بند تصریح به چیزی بوده قانون آیین دادرسی در امور مدنی ایران به طور ضمنی (در مواد ۷۷، بند ۲ از ماده ۸۷، ۱۰۳ و ۱۱۱ و ۱۲۰) اشاره نموده است، لذا استنتاج نموده‌اند که بند ۶ ماده ۱۱ مقررهای است بسیار طویل و پر از ابهام، طوری که اگر بی‌فایده هم نباشد، دست کم به فایده آن نمی‌ارزد و حذف آن را پیشنهاد نموده‌اند، اما با نگاهی تخصصی به موضوع، آنچنانکه قواعد حقوقی مقررات بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی تخصصی در حوزه داوری نیز پیش‌بینی کرده‌اند، معلوم می‌گردد، به نظر می‌رسد چنین استنتاجی چندان قابل دفاع نبوده و نزدیک به صواب نیست، زیرا فایده بحث در این خلاصه نمی‌شود که تعداد خواهان‌ها یا خواننده‌ها چگونه در دو طرف دعوا جمع‌بندی شوند، بلکه از آن جهت که در تعیین ترکیب هیأت داوری مؤثر است، حائز اهمیت است.

پس از بیان موجزی از پیشینه قانونی بند ۶ ماده ۱۱ قانون نمونه حال باید دید که آیا تقابل اصل آزادی اشخاص در تعیین فرایند نصب داور و اصل برابری طرفین داوری منجر به برقراری محدودیت برای اصل آزادی مذکور می‌گردد. به

قائل به آمره بودن این اصل هستند، طوری که اگر در شرط داوری امتیازی برای یک طرف در تعیین داور گنجانده شود، وجود این امتیاز ناعادلانه سبب ابطال شرط داوری می‌شود، یعنی نه تنها امکان جایگزینی داور توسط دادگاه دولتی وجود ندارد، بلکه اساساً شرط داوری باطل شده و رسیدگی به دادگاه دولتی سپرده می‌شود (۱۱).

به نظر می‌رسد چنین نظری خالی از قوت باشد، زیرا نه تنها با رویه مقررات بین‌المللی و عرف داوری تجاری بین‌المللی هم راستا و همسو نیست، بلکه با تدقیق در مقررات از جمله مواد ۳۲ و ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، چنین موضوعی از اسباب بی‌اعتباری و بطلان شرط داوری محسوب نگردیده و حتی بر اساس بند «و» ماده ۳۳، ضمانت اجرای عدم رعایت موافقت‌نامه داوری که از جمله آن تعیین ترکیب هیأت داوری است، موجب ابطال رأی داور تلقی شده است. با ملاحظه رویکرد مقررات داوری، نه بی‌اعتباری شرط داوری، بلکه بی‌اعتباری آن قسمت از توافق داوری که مربوط به تعیین فرایند نصب هیأت داوری است، قابل استنتاج است.

در پایان این قسمت ذکر این مهم را نباید فراموش کنیم که اگر اطراف داوری، داوری سازمانی را برای حل اختلاف خود پیش‌بینی کرده باشند، مقرره پیش‌بینی شده در قواعد داوری مرجع داوری مربوطه تحت لوای همان، در پرتو اصل حاکمیت اراده در تعیین ترکیب هیأت داوری، بر آن‌ها اعمال خواهد شد.

**۲-۲. شیوه قانونی در تعیین ترکیب هیأت داوری:** بر اساس مطالب پیش‌گفته، اگر اتفاق نظر در داور واحد وجود داشته باشد، بحث چندان مشکل نیست، اما از آنجا که عملاً با دخالت هیأت داوری در داوری‌های چندجانبه رو به رو هستیم، باید بررسی شود که در صورت نبود توافق در شیوه تعیین ترکیب داوری راه حل چیست و رویکرد مقررات و قواعد حقوقی چگونه است و چه مشکلاتی در این رویکردها وجود دارد و راه حل چگونه خواهد بود. در بیان شیوه‌های تعیین ترکیب هیأت داوری، اولین و ساده‌ترین موردی که شاید به ذهن تبادر نماید، این باشد که هر طرف داوری، برای خود یک داور تعیین نمایند، هر چند که این راه حل در ابتدای امر کاملاً

آسان و بی‌عیب به نظر می‌رسد، لیکن دادن حق به هر طرف که داور خود را تعیین کند، عملی نیست و می‌تواند به هیأت‌هایی با اعضای زیاد بیانجامد و همانطور که سابقاً نیز اشاره کردیم، کل هدف داوری زیر سؤال برده و آن را عقیم نماید، حتی مهم‌تر از آن، ممکن است برای جانبی که طرف‌های کمتری دارد، غیر منصفانه باشد و باعث شود نفوذ کمتری در ترکیب هیأت داوری داشته باشد، مثلاً در قرارداد مشارکت، یک طرف ممکن است ادعا کند که رفتار مشترک دو شریک دیگر ناقض مشارکت است. اگر چنانچه هر شریک بتواند داور خاص خود را تعیین کند، هیأتی با سه داور منصوب از طرف خواننده‌ها و فقط یک داور منصوب از طرف خواهان‌ها وجود خواهد داشت، پس بنابراین راه حل شیوه اول، غیر قابل کنترل بوده و به ویژه اگر خواننده‌ها از خواهان‌ها بیشتر باشد، منجر به عدم توازن در هیأت داوری می‌شود، راه حل پیش‌گفته به دلیل ایرادات مذکور در قوانین و مقررات نیز مورد استقبال قرار نگرفته و راه حلی مطرود به شمار می‌رود (۶).

شیوه دوم این است که چند خواهان یا چند خواننده هر کدام داوری معرفی کنند و سپس رییس دیوان یا با توافق همه طرف‌ها که البته غیر ممکن خواهد بود یا توسط مقام ناصب مستقل تعیین شود.

در شیوه سوم هم، چند خواهان یا چند خواننده هر کدام داوری معرفی می‌کند و داوران منتخب آن‌ها، سر داور را تعیین می‌کنند و در صورت عدم توفیق در انتخاب نامزد مشترک، دیوان داوری یا مقام ناصب داوران را تعیین می‌کند. شاکله شیوه سوم، راه حلی است که در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و دیگر مقررات و قواعد حقوقی داوری مورد توجه قرار گرفته است. مهم آن است که در کدام فرمول، اصل برابری اطراف داوری چندجانبه در تعیین ترکیب هیأت داوری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

صور مختلفی که می‌توان برای ترکیب هیأت داوری ترسیم کرد، در سه وضعیت قابل بیان است. در حالت نخست، چند خواهان به طرفیت چند خواننده طرح دعوا می‌کنند؛ در حالت

حسب مورد، یک داور را معرفی خواهند کرد. اگر نامزدی مشترک در مدت زمان مقرر انجام نشود، مرکز باید یک یا هر دو داور را تعیین کند. دو داور باید ظرف ۲۰ روز پس از تعیین داور دوم، داور سوم را معرفی کنند که داور ناظر خواهد بود. و به موجب ماده ۱۹: الف - اگر یکی از طرفین نتوانسته است داوری را طبق مواد ۱۵، ۱۷ یا ۱۸ معرفی کند، مرکز فوراً انتصاب را انجام خواهد داد؛ ب - در صورتی که داور منفرد یا ناظر آن مطابق مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷ یا ۱۸ منصوب نشده باشد، انتصاب طبق روال زیر انجام خواهد شد:

مرکز باید برای هر طرف یک لیست یکسان از نامزدها ارسال کند. فهرست معمولاً شامل نام حداقل سه نامزد به ترتیب حروف الفبا است. فهرست باید شامل یا همراه با بیانیه‌ای از صلاحیت‌های هر نامزد باشد. اگر طرف‌ها در مورد شرایط خاصی توافق کرده باشند، فهرست باید شامل نام نامزدهایی باشد که واجد شرایط باشند؛ - هر طرف حق دارد نام هر نامزد یا نامزدهایی را که به انتصاب آن‌ها اعتراض دارد حذف کند و نامزدهای باقی مانده را به ترتیب اولویت شماره‌گذاری کند؛

۳- هر یک از طرفین باید لیست علامت‌گذاری شده را ظرف ۲۰ روز پس از تاریخی که لیست توسط خود دریافت می‌کند، به مرکز برگرداند. هر حزبی که نتواند یک لیست مشخص شده را در آن بازه زمانی بازگرداند، تلقی خواهد شد که با همه نامزدهای حاضر در لیست موافقت کرده است؛

۴- مرکز در اسرع وقت پس از دریافت لیست‌های طرفین یا در صورت عدم موفقیت، پس از انقضای مدت زمان مشخص شده در بند قبلی، با در نظر گرفتن ترجیحات و اعتراضات ابراز شده توسط طرفین، یک نفر را از فهرست به عنوان داور انحصاری یا رییس منصوب کند؛

۵- در صورتی که در فهرست‌های بازگردانده شده، فردی که برای هر دو طرف به عنوان داور قابل قبول است، نشان داده نشود، مرکز مجاز خواهد بود که داور یگانه یا ناظر را تعیین کند. اگر شخصی نتواند یا نمی‌خواهد دعوت مرکز را به عنوان داور انحصاری یا ناظر بپذیرد یا اگر دلایل دیگری وجود داشته باشد که آن شخص را به عنوان داور انحصاری یا ناظر منع

دوم چند خواهان علیه یک خواننده اقامه دعوا می‌نماید؛ در حالت سوم یک خواهان به طرفیت چند خواننده. در هر سه وضعیت دغدغه‌های تضمین رفتار برابر در تعیین ترکیب هیأت داوری قابل تأمل است. برای روشن شدن موضوع، برای حالت سوم دعوایی را مثال می‌زنیم که چالش گفته شده به عیان قابل لمس و درک است. متعاقب تشکیل قرارداد کنسرسیوم احداث یک کارخانه توسط سه شریک متشکل از شرکت «زیمنس»، شرکت «بی.کا.ام.آی» و شرکت «داتکو» و پیش‌بینی شرط داوری در قرارداد مشارکت، بر اساس قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط سه داور منصوب، شرکت داتکو دعوایی علیه دو عضو دیگر طرح نمود و یک داور معرفی کرد. اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۱۹۹۲ مطابق رویه خود، از شرکت‌های «زیمنس» و «بی.کا.ام.آی» به عنوان خوانندگان دعوا خواست که مشترکاً یک داور معرفی کنند، ولی آنان از معرفی داور واحد استنکاف ورزیدند، پس از اینکه اتاق، آن‌ها را تهدید به تعیین داور، کرد با حفظ حق اعتراض به قانونی بودن روش تعیین داور، داور مشترک خود را معرفی کردند. هیأت داوری در رأی خود قانونی بودن تعیین داوران را تأیید کرد، پس از اعتراض نسبت به این رأی، دادگاه تمیز فرانسه با این استدلال که قائل شدن نفوذ بیشتر برای خواهان در مقایسه با خواننده در ترکیب هیأت داوری ذاتاً غیر منصفانه است، ابطال کرد. از دیدگاه دادگاه تمیز فرانسه (۱۲) اصل برابری طرف‌ها در نصب داوران مسأله‌ای مربوط به نظم عمومی دانسته شد که فقط می‌تواند بعد از بروز اختلاف اسقاط شود. حاصل آنکه بر مبنای این استدلال، حتی توافق طرفین در زمان انعقاد شرط داوری در خصوص انتخاب شیوه مذکور، غیر معتبر شناخته شد. در مورد تعیین داوران در داوری‌های چند طرفه، از مفصل‌ترین مقرراتی که می‌توان نام برد، مواد ۱۸ و ۱۹ قواعد داوری سازمان جهانی مالکیت معنوی است. به موجب ماده ۱۸: «جایی که: ۱- چندین خواهان و/یا خواننده متعدد وجود دارد؛ ۲- سه داور باید منصوب شوند.

خواهان‌های متعدد، به طور مشترک، در درخواست داوری، باید یک داور معرفی کنند و/یا چندین خواننده، به طور مشترک، ظرف ۳۰ روز پس از دریافت درخواست داوری،

می‌کند، مرکز نیز مجاز خواهد بود، چنانچه فردی در لیست‌ها باقی نماند به عنوان داور مورد قبول هر دو طرف اقدام نماید. ج - به رغم رویه‌ای که در بند «ب» ارائه شده است، مرکز مجاز است در غیر این صورت در صورتی که به تشخیص خود تشخیص دهد که روش تشریح‌شده در آن بند برای آن پرونده مناسب نیست، داور منفرد یا ناظر را تعیین کند.»

همانطور که ملاحظه می‌شود با تدقیق در مفاد مقررات مزبور تمایز رویکرد میان چند خواهان و چند خواننده قابل درک می‌باشد. هر یک از خواهان‌ها همیشه می‌تواند تصمیم بگیرد که می‌خواهد به تنهایی یا به همراه دیگر خواهان‌ها طرح دعوا کند؛ چنین گزینه‌ای برای خواننده‌ها امکانپذیر نیست، چون تصمیم به تجمیع نیرو با سایر خواهان‌ها بعد از بروز اختلاف صورت گرفته است، لذا تعهد به توافق با سایر خواهان‌ها در مورد داور واحد ناقض قاعده مذکور در پرونده داتکو نمی‌باشد، به علاوه این تمایز این امکان را از بین می‌برد که خواهان، فقط با افزودن خواهان دیگر، خواننده واحد را از حق خود در تعیین داور خویش محروم کند، البته این در صورتی است که کل هیأت داور همواره توسط دیوان داور تعیین شود.

مع الوصف مقررات مزبور به طور کلی در پی تضمین رفتار برابر با طرف‌ها از طریق ارجاع تعیین ترکیب هیأت داور به دیوان داور یا مقام ناصب در صورت عدم توافق طرف‌ها در مورد نامزد مشترک است.

قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی ضمن پیش‌بینی موضوع داور چندجانبه با منشأ واحد در ماده ۸ در بندهای ۶، ۷ و ۸ ماده ۱۲ مقرر داشته است: «۶- مواردی که چند خواهان یا چند خواننده وجود دارد و اختلاف باید به سه داور ارجاع شود، خواهان‌ها به طور مشترک و خوانندگان به طور مشترک هر کدام یک داور برای تأیید بر طبق ماده ۱۳ معرفی خواهند کرد؛ ۷- وقتی طرف اضافی به داور ملحق می‌شود (ماده ۱۷(۱)) و اختلاف باید به سه داور ارجاع شود، طرف اضافی می‌تواند مشترک با خواهان‌ها (ها) یا با خواننده (ها) یک داور برای تأیید بر طبق ماده ۱۳ و ماده ۷(۵) معرفی کند؛ ۸- چنانچه معرفی داور مشترک طبق ماده ۱۲(۶) یا ۱۲(۷) صورت نگیرد

و طرف‌ها هم نتوانند درباره شیوه دیگری برای تشکیل مرجع داور به اجماع برسند، دیوان می‌تواند همه اعضای هیأت داور را نصب کند و در این صورت مکلف است یکی از آن‌ها را به عنوان رییس تعیین کند. در چنین مواردی دیوان مختار خواهد بود، در صورتی که مقتضی بداند با رعایت ماده ۱۳، هر کسی را که مناسب تشخیص دهد به عنوان داور انتخاب کند.» همچنین با ملاحظه ماده ۱۰ اصلاحی سال ۲۰۱۰ قانون نمونه آنسترال همین شیوه ملاک عمل قرار گرفته است. در این ماده می‌خوانیم: «۱- برای اجرای بند ۱ ماده ۹، در مواردی که باید سه داور انتخاب شوند و طرف‌های دعوا، اعم از خواهان یا خواننده مرکب از چند طرف باشند (داوری چندجانبه) چنانچه طرف‌ها در مورد شیوه نصب داوران به نحو دیگری توافق نکرده باشند، هر گروه اعم از خواهان یا خواننده، باید مشترکاً یک داور را تعیین کنند؛ ۲- اگر طرفین توافق کرده باشند که تعداد داوران در دیوان داور غیر از یک یا سه نفر باشد، داوران مطابق شیوه مورد توافق طرفین، منصوب خواهند شد؛ ۳- اگر دیوان داور، به هر دلیل نتواند مطابق این قواعد تشکیل شود، در این صورت مقام ناصب به تقاضای هر یک از طرفین دیوان داور را تشکیل می‌دهد. برای این منظور می‌تواند هر انتصاب پیشین را باطل کند و داوران دیگری را تعیین کرده و یا همان داوران قبلی را دوباره تعیین کند و یکی از آنان را نیز به عنوان سر داور تعیین نماید.»

همانطور که ملاحظه می‌شود، اکثر شرایط ویژه داور چندجانبه که در عمل مورد استفاده قرار می‌گیرند، همین راه حل را برگزیده‌اند.

اما جا دارد که به انتقادهایی که به این شیوه وارد شده است، بپردازیم و ببینیم که چه پاسخی در قبال این انتقادات می‌شود، مطرح کرد.

انتقاد نخست این است که در این شیوه در درجه اول معرفی داور واحد توسط چند خواهان یا چند خواننده را مورد حکم قرار می‌دهد که خود واجد اشکال و ایراد است، بدین‌سان که اجازه‌دادن به همه خواهان‌ها و همه خواننده‌ها که صرف نظر از تعداد طرف‌هایی که ممکن است وجود داشته باشند، تعداد

## نتیجه‌گیری

امروزه با گسترش روابط اشخاص متعدد حقیقی و حقوقی حول محور یک قرارداد در عرصه تجارت داخلی و بین‌المللی و از طرفی با غیر قابل اجتناب بودن حدوث اختلافات در روابط مذکور و نیازمندی هرچه بیشتر به مکانیزمی که بتواند با انطباق هرچه بیشتر با ویژگی‌های روابط مزبور مطلوب‌ترین بستر حل اختلاف باشد، داوری تجاری است. رویکرد و رغبت عملی اکثریت فعالان عرصه روابط تجاری و معامله‌گری اقتصادی شاهد قابل اطمینان برای تأیید این سخن است، در این میان از آنجا که گسترش روابط تجاری بر روابط بیشتر و پیچیده‌تر دامن می‌زند، شاهد روابط حقوقی با بیش از دو طرف هستیم که به تبع آن در حوزه حل اختلافات ناظر بر آن، داوری‌های چندجانبه ظهور و بروز می‌کند. از میان داوری‌های چندجانبه که داوری چندجانبه با منشأ واحد در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، معلوم شد که مقررات داخلی و بین‌المللی هم با واقع‌بینی به انگیزه و رفع دغدغه‌های ناظر بر آن مکانیزم‌ها و فرمول‌هایی را در نظر گرفته‌اند.

به رغم حدوث مشکلات و مسائل پیرامون نگرانی فقدان رضا که خمیرمایه و زیربنای تحقق پذیرش داوری چندجانبه است با پیش‌شرط اجرای رأی داور به صورت ثبت موافقت‌نامه داوری در دادگاه مجری حکم که در واقع برای احراز و اثبات طرف‌های داوری است، مرتفع می‌گردد. همچنین واهمه فقدان رفتار برابر در اطراف داوری و به ویژه در داوری چندجانبه به عنوان الزامات داوری به مفهوم عام و داوری چندجانبه به معنی خاص، مزایا و فواید مسلم و قابل توجه، تمسک به داوری چندجانبه، ایجاب نمود تا در مقام آشتی بین اجرای داوری چندجانبه و دغدغه رعایت الزامات داوری، همچنان اصل حاکمیت اراده به عنوان اصل پیشتاز و مقبول و توافق اطراف داوری چندجانبه، در شیوه تعیین ترکیب هیأت داوری لازم‌الاتباع دانسته شود، لیکن در تقابل اصل آزادی اشخاص و اطراف داوری چندجانبه در تعیین ترکیب هیأت داوری با اصول و الزامات داوری چندجانبه با غیر آمره دانستن الزامات مزبور امکان توافق بر شیوه تعیین هیأت داوری پیش از بروز

مساوی از داوران تعیین کنند، مشکل‌ساز است. اینکه چند طرف به عنوان خوانده نام برده می‌شوند، بدین معنا نیست که آن‌ها لزوماً منافع یکسانی دارند یا دفاع خود را هماهنگ خواهند نمود. طرح دعوا علیه چند طرف شاید فقط از بابت سهولت یا تاکتیک خواهان بوده باشد. در چنین وضعیتی، حق دادن به خواهان که داور اختصاصی خود را تعیین کند و در عین حال موظف کردن خوانده‌ها به توافق بر سر داور واحد، به رغم منافع متضاد، بی‌تردید امری غیر منصفانه و مغایر با الزامات داوری عادلانه است.

انتقاد و ایراد دوم این است که چنین راه حلی با ضعف رو به روست. ضعف این راه حل در آن است که طبق قسمت دوم فرمول، یعنی تعیین داور توسط مقام ناصب یا دیوان داوری طرف‌ها را از یکی از مزایای مهم داوری محروم می‌کند. به عبارتی امکان تعیین داورانی که به آن‌ها اعتماد دارند، از آن‌ها سلب می‌شود مع الوصف و در حقیقت انتقاد مزبور مبتنی بر تعارض شیوه مزبور با اصل رضا به داوری به عنوان یکی از الزامات اساسی داوری می‌باشد.

در پاسخ به انتقاد تحمیل داور توسط مقام ناصب به طرف‌های داوری، گفته شده است که این نگرانی‌ها موجه نیست و هیچ تعارضی بین شیوه مزبور با اصل تراضی برای داوری متصور نمی‌باشد؛ در حقیقت با توافق در مورد رجوع به داوری بر اساس قواعد یک نهاد و مرجع داوری که شیوه خاصی را برای تعیین داور در وضعیت چندطرفه مقرر داشته، چنین شیوه‌ای جزئی از توافق طرف‌ها محسوب می‌شود. در ماده ۸(۲) قواعد دیوان داوری بین‌المللی لندن به وضوح دیده می‌شود. بر اساس این ماده در وضعیت چندطرفه، شرط داوری باید از هر نظر به هر عنوان توافق مکتوب طرف‌ها برای تعیین هیأت داوری توسط دیوان داوری لندن تلقی شود. طرف‌ها با توافق در مورد داوری این مرجع داوری با شیوه تعیین داوران در ماده ۸ هم موافقت کرده‌اند. از مضمون ماده اصلاحی ۲۰۱۰ قانون نمونه آنسیترا ل و ماده ۶ قواعد مرکز حل اختلافات انجمن آمریکایی داوری و همچنین مواد ۱۵ و ۶۷ قواعد و آیین داوری مرکز داوری اتاق ایران مورخ ۱۵ شهریور ۱۳۸۶ همین استنتاج قابل برداشت است.

### ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

اختلاف پذیرفته است و لازم نیست پس از بروز اختلاف چنین توافقی پذیرفته شود و در واقع اسقاط حق مزبور قبل از بروز اختلاف امکان‌پذیر است و عدول از اصل رفتار برابر قابل پذیرش است، البته نباید فراموش کرد که در صورت فقدان تراضی بر شیوه تعیین ترکیب هیأت داوری، راهکار جایگزینی اراده مقام ناصب برای تعیین داوران نیز به ویژه در داوری سازمانی با اصل حاکمیت اراده و و به تبع آن اصل آزادی اشخاص در تعیین داوران قابل توجیه است، چون که با پذیرش داوری سازمانی پذیرش مقررات و قواعد سازمانی راجع به جایگزینی اراده مقام ناصب برای تعیین ترکیب هیأت داوری مفروض است، بر این اساس الزامات داوری به معنی عام و داوری چندجانبه به معنی خاص، در پدیده رضا به اصل داوری، قواعد حقوقی آمره تلقی می‌گردد و الزامات داوری ناظر بر رفتار برابر به معنی عام و رفتار برابر در تعیین هیأت داوری به معنی خاص قواعد حقوقی الزام‌آور تکمیلی محسوب می‌گردد و بر این اساس فرضیه آمره‌بودن مطلق الزامات و اصول داوری رد می‌گردد.

### مشارکت نویسندگان

پرویز دهقانی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

### تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

## References

1. Boulanger PH. Multi-contract arbitration. *Journal of International Arbitration*. 1996; 13(1-4): 43-44.
2. Lew JDM. *Applicable law in international commercial arbitration*. Dobbs Ferry: Oceana Publications; 1978. p.1105.
3. Robert J. *Larbitrage: Droit interne, droit international prive*. Paris: Dalloz; 1993. p.1201. [French]
4. De Boisseason M. *Le droit francais de larbitrage interne et international*. Paris: Dalloz; 1990. p.71. [French]
5. Kassis A. *Problemes de base de Larbitrage en droit camper et droit international*. Paris: Dolloz; 1987. p.87. [French]
6. Lew JMD, Mistelis Loukas A, Krol Stefan M. *Comparative international commercial arbitration*. Translated by Habibi M. Tehran: Mofid University Publication; 2013. p.197, 268, 392. [Persian]
7. Hosseini Moghadam SH, Pajhouhan SH, Nazari M. *Application of Imperative Rules in International Commercial Arbitration*. Tehran: Majd Publications; 2017. [Persian]
8. Shiravi AH. *International Commercial Arbitration*. Tehran: Samit Publications. 2014. [Persian]
9. Soleimani N, Behniafar AR. *Arbitration system in Islamic law and contemporary international law (A comparative study)*. Tehran: Javadane Jangal Publications; 2017. [Persian]
10. Joneidi L. *Comparative review of international commercial arbitration law*. Tehran: Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran Publications; 1999. [Persian]
11. Mousavi F. *Unenforceable Arbitration Decisions in the Realm of International Trade*. Tehran: Majd Publications; 2015. [Persian]
12. Available at: <https://www.wipo-int>.